

قصاص منافع چشم (بینایی) با اشعه لیزر

ابوالفضل علیشاهی قلعه جوقی^۱

قاسم خیراتی مقدم^۲

مجتبی محمدزاده^۳

چکیده

یکی از مجازات‌هایی که در اجتماع بشری از دیرباز تاکنون وجود داشته، قصاص است. ویژگی اصلی قصاص در منافع، همانندی عمل جنایی صورت گرفته و قصاص مورد نظر در نتیجه به دست آمده از آن‌ها است و باید که در آن خطری برای جان مجرم وجود نداشته و استیفای مثل جرم، ممکن باشد. گاه ممکن است جانی، بر چشم کسی جنایتی وارد کند که چشم وی سالم مانده و بینایی آن آسیب ببیند، در این صورت برخی فقیهان و حقوق‌دانان قصاص را جاری ندانسته و آن را تبدیل به دیه کرده‌اند. این حکم به دیه به جای قصاص چشم، به سبب عدم مماثلت و عدم رعایت تساوی و احتمال تلف جانی صادر گردیده است.

از سوی دیگر، پیشرفت پزشکی و تجهیزات، توانایی اجرای قصاص را با لیزر به عنوان یک ابزار دقیق و قدرتمند که نقش مهمی در چشم‌پزشکی دارد، تا حد زیادی امکان‌پذیر گردانیده است که می‌تواند توسط متخصصان صورت گیرد. ضرورت تحقیق بر روی این مسأله به این جهت است که امروزه به خاطر درگیری‌های خیابانی و اسیدپاشی، ضربات وارده به چشم بسیار شده است و به دلیل این که امکان مماثلت وجود ندارد، موجب شده

۱. استادیار گروه الهیات، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران. (نویسنده مسؤول)

Email: Alishahi@yu.ac.ir

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران.

۳. دانشجوی دکترای فیزیک دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

تا قصاص چشم انجام نگیرد و تبدیل به دیه گردد، هرچند دیه و قصاص هر دو حکم شرعی هستند. حال پرسش اساسی اینست که با توجه به این که دیه در این گونه موارد در طول قصاص است و با عدم وجود شرایط قصاص، دیه جای آن را می گیرد، چگونه با امکان رعایت شرایط قصاص در فرض مسأله توسط اشعه لیزر می توان به دیه حکم کرد؟ این تحقیق از روش تحلیلی - توصیفی بهره برده و با بررسی و نقد مبانی دیدگاه ها به این نتیجه دست یافته است که می توان در جنایت بر منفعت چشم (بینایی)، به جواز اجرای قصاص توسط لیزر حکم کرد.

واژگان کلیدی

قصاص، چشم، منافع، منافع چشم، قصاص منافع چشم، لیزر

مقدمه

قانون قصاص برای مبارزه با جرائم علیه نفس و مادون نفس تصویب شده است. صدمه به چشم و کور کردن، لطمه‌های غیر قابل جبران جسمی و روانی به فرد وارد می‌کند. وقتی به موضوع قصاص در اسلام نگریسته می‌شود به این نتیجه می‌انجامد که خداوند حتی نسبت به خود انسان برای او دلسوزتر است، زیرا اگر این حکم نبود هر جنایتی انجام می‌شد و قوانین خودساخته بشری، ظلم در حق دیگری را آزاد می‌کردند. مجازات اصلی در جرایم علیه تمامیت جسمانی قصاص است. (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۹ ش.) این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش است که آیا با توجه به پیشرفت پزشکی و تجهیزات آن، رعایت شرایط قصاص عضو از جمله عدم تلف جانی یا عضو دیگر وی، و بیشترنشدن قصاص از جنایت امکان‌پذیر است؟

الف - پیشینه بحث

قصاص که از دستورهای اصیل اسلامی است، در قرآن بیان شده و در روایات نیز وارد شده است^۱ و کتاب یا بابی از ابواب روایی را به خود اختصاص داده است.^۲ فقیهان شیعه نیز در مباحث خود به بحث قصاص به عنوان یک بحث بنیادین نگریسته‌اند که پایه، حیات و بنیان جامعه وابسته به آن بوده است به گونه‌ای که در ضمن ابواب فقهی و یا در قالب کتاب مستقل به آن پرداخته‌اند، برای نمونه «القصاص علی ضوء القرآن والسنه» اثر شهاب‌الدین مرعشی نجفی، کتاب «القصاص للفقهاء والخواص» اثر مدنی کاشانی، یا کتاب «تنقیح مبانی الاحکام، کتاب القصاص» از جواد تبریزی و «تفصیل الشریعه، القصاص» از محمد فاضل لنکرانی نام برد.

در میان مباحث قصاص، قصاص منافع اعضا مطرح است که قصاص منفعت چشم یکی از مباحث مطرح شده در آن می‌باشد. فقیهان از گذشته دور با عنوان بحث ذهاب البصر و با عنوان ضوء العينين به آن پرداخته و به خاطر اشکالاتی که در اجرای قصاص در بینایی چشم وجود داشته است دیه را مورد بحث قرار داده‌اند، برای نمونه برای از بین رفتن بینایی و نور چشم‌ها یک دیه کامل قرار داده‌اند. (ابوالصلاح حلبی، ۱۴۰۳ ق؛ ابن سعید حلی، ۱۴۰۵ ق؛ محقق حلی، ۱۴۰۸ ق؛ علامه حلی، ۱۴۲۰ ق؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ ق؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶ ق؛ نجفی، ۱۴۰۴ ق؛ خمینی، بی‌تا) برخی صریحاً نیز در صورت امکان رعایت تساوی قائل به قصاص و در غیر این صورت قائل به دیه شده‌اند. (ابن حمزه طوسی، ۱۴۰۸ ق.) برخی از دیگر فقیهان، به این بحث پرداخته و در آن قصاص را ثابت دانسته‌اند. (طوسی، ۱۳۸۷ ق.) اخیراً نیز درباره قصاص مقالات و پایان‌نامه‌هایی نگاشته شده است.

در مورد لیزر نیز برخی از محققان بر این باورند که نظریاتی از امام صادق (ع) درباره پرتو نور وارد شده است و به ایشان نسبت داده شده است که «ان الضوء القوى الساطع يستطيع تحريك الاجسام الثقيله؛ پرتو نور قوی این توانایی را دارد که اجسام سنگین را جابجا کند.» این مطلب می‌تواند خبری از حقیقت اشعه لیزر باشد. (شاکری، ۱۴۱۷ ق.) در بحث لیزر نیز از فقیهان فتوایی درباره لیزر و جواز کاربرد آن در مباحث گوناگون صادر شده است، برای نمونه از برخی فقیهان استفتا شده است که آیا جلوگیری از بارداری زن به واسطه بستن دهانه رحم با اشعه لیزر جایز است که در پاسخ گفته شده است: این کار ذاتاً جایز است تا زمانی که نگاه و لمس نامحرم در کار نباشد و گرنه تنها در حال اضطرار جایز است. (سیستانی، بی‌تا) در پرسشی دیگر زایل کردن موهای بدن غیر از ریش مورد استفتا قرار گرفته است که در پاسخ فتوا به جواز داده شده است. (منتظری، بی‌تا) با بررسی‌های فراوان به

نظر می‌رسد در مورد قصاص منفعت چشم و جواز اجرای آن به وسیله لیزر تاکنون پژوهشی صورت نگرفته که بایسته تحقیق است.

ب - لیزر در چشم پزشکی

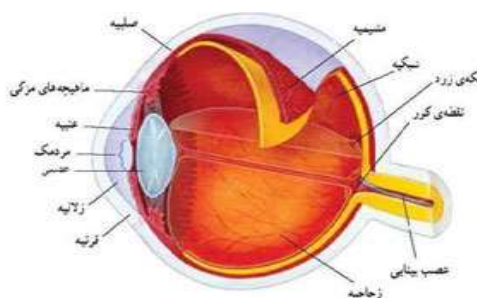
در سال ۱۹۶۰ مایمن در آمریکا موفق شد اولین لیزر در محدوده بیناب مرئی را در آزمایشگاه به وجود آورد. به طور کلی اصول کار لیزر به این صورت است که با تحریک یک محیط اپتیکی که دارای دو سطح انرژی است و می‌تواند جامد، مایع یا گاز باشد به وسیله یک پالس شدید نوری، ابتدا الکترون‌ها از حالت پایه به حالت برانگیخته رفته و با برگشت این الکترون‌ها به حالت پایه تعداد بسیار زیادی ذره نور موسوم به فوتون همفاز و همدوس تولید می‌گردد که به این رویداد گسیل القایی گفته می‌شود. (عترتی خسروشاهی، ۱۳۸۳ ش.)

از دیدگاه تاریخی لیزر ابتدا در چشم پزشکی به کار گرفته شد. در اواخر دهه شصت میلادی، لیزرها در شاخه‌های دیگر پزشکی نیز وارد شده‌اند و امروزه مجموعه بزرگی از روش‌های لیزری در سرتاسر جهان به کار گرفته می‌شوند. اغلب آن‌ها به خانواده موسوم به «جراحی با حداقل اثر تهاجمی» تعلق دارند که به معنای جراحی بدون تماس و با کم‌ترین میزان خونریزی است. دو ویژگی فوق باعث شده تا لیزر به عنوان یک تیغ جراحی منحصر به فرد و وسیله کمک‌درمانی ارزشمندی مطرح گردد. به عنوان مثال گرم کردن بافت سرطانی توسط پرتوهای لیزر می‌تواند به مرگ نسوج تومور سرطانی منجر گردد، اما به کارگیری همین پارامترهای لیزری به منظور انعقاد شبکه‌ای به ایجاد سوختگی در شبکه و نابینایی بازگشت‌ناپذیر منجر می‌گردد. لیزر دارای چندین پارامتر قابل تنظیم است که به

وسیله آن می‌توان به ایجاد اثرات مختلف در عمق‌های مختلف بافت مبادرت ورزید. (نیمز، ۱۳۸۱ ش.)

به طور کلی لیزرها می‌توانند به سه صورت: ۱- آندوسکوپی مانند جراحی‌های ریه و گوارش؛ ۲- پرتو آزاد مانند دندانپزشکی؛ ۳- جراحی‌های میکروسکوپی مانند چشم‌پزشکی استفاده شوند. از آنجایی که در حال حاضر هیچ لیزری وجود ندارد که دربرگیرنده تمام ویژگی‌های فوق باشد، پزشک باید در انتخاب لیزر دقت توجه داشته باشد. (عترتی خسروشاهی، ۱۳۸۳ ش.)

امروزه در چشم‌پزشکی انواع گوناگونی از لیزرها به منظور تشخیص و درمان به کار می‌روند. لیزرها به ویژه در مواردی که چشمه‌های غیر همدوس نور قادر به تشخیص بیماری‌ها نیستند، مفید واقع می‌شوند. میکروسکوپ لیزری هم کانونی ابزار مهمی می‌باشد که قادر است بروز اختلال در شبکیه را تشخیص دهد. اخیراً پژوهش‌های گسترده‌ای در زمینه جراحی انکساری قرنیه با لیزر نیز انجام شده است. هدف‌های پرتودهی در لیزردرمانی چشم را به دو دسته قدامی و خلفی تقسیم می‌کنند. بخش‌های قدامی چشم شامل قرنیه، صلبیه، جسم مژگانی و عنبیه می‌باشد و بخش‌های خلفی چشم نیز از عدسی، زجاجیه و شبکیه تشکیل شده‌اند که در شکل زیر قابل مشاهده است. (نیمز، ۱۳۸۱ ش.)



مهم‌ترین آثار لیزر در بافت ناشی از تغییرات دماست. فرض کنید دمای بدن ۳۷ درجه سانتی‌گراد باشد. نخستین فرآیند ناشی از گرما در بافت تغییرات ساختمانی

در مولکول‌ها است. این آثار همراه با تخریب پیوندها و دگرگونی غشای در واژه هیپرترمیا با بازه دما از ۴۲ درجه سانتی‌گراد تا ۵۰ درجه سانتی‌گراد خلاصه می‌شود. اگر هیپرترمیا چندین دقیقه به طول انجامد، درصد قابل ملاحظه‌ای از بافت از بین می‌رود. اگر پرتودهی لیزری در دمای ۶۰ درجه به مدت ۶ ثانیه تداوم یابد، آنگاه این فرآیند باعث آسیب بازگشت‌ناپذیر می‌شود. (نیمز، ۱۳۸۱ ش.) در جراحی‌های چشم به وسیله لیزر از چهار نوع لیزر استفاده می‌شود که هر کدام بخش خاصی از چشم را می‌توانند مورد پرتودهی قرار دهند. از لیزر آرگون در پرتودهی شبکیه، مردمک، قرنیه و عنبیه استفاده می‌شود. از لیزر دیود در جراحی‌های مردمک و صلیبه، از لیزر Nd:YAG که شامل دو نوع موج پیوسته تماسی و نوع سوئیچ می‌باشد، برای جراحی‌های عروق سطحی شبکیه و چندین عمل دیگر استفاده می‌گردد (نیمز، ۱۳۸۱ ش.) تا بحال در چشم‌پزشکی از لیزر دی اکسید کربن استفاده کم‌تری شده است. این لیزر برای قطع تومورهای صلبیه و شبکیه مورد استفاده قرار گرفته است. لیزر دی‌اکسید کربن به خاطر طول موج خاصی که دارد، نمی‌تواند به داخل چشم انتقال یابد، لذا از آن در قسمت‌های داخلی چشم فقط در جراحی‌های باز استفاده می‌کنند. (جوفی، ۱۳۶۹ ش.)

با جراحی به وسیله لیزر به راحتی می‌توان میزان دید را (در موارد مربوط به قصاص) کاهش داد یا عدسی را کدر کرد یا در شبکیه سوختگی به وجود آورد که این‌ها معمولاً عوارض جراحی‌ها با لیزر می‌باشند، ولی در موارد دلخواه می‌توان این آسیب‌ها را به شکل عمدی به چشم وارد آورد.

از مزایای جراحی با لیزر می‌توان به میدان دید دقیق و دسترسی به منطقه محدود در جراحی اشاره کرد. (حسین‌نیا، ۱۳۶۷ ش.) برای مثال به وسیله نوع خاصی

از لیزر آرگون برش‌های حرارتی بسیار ظریف در حدود میکرون (هزارم میلی‌متر) ممکن می‌باشد. (جوفی، ۱۳۶۹ ش.).

ج - کارایی لیزر در قصاص منفعت چشم از جهت رعایت مساوات

همان‌گونه که گفته شد، چشم‌پزشکی اولین تخصص پزشکی بود که در آن از انرژی لیزر برای درمان بیماران، استفاده گردید و هنوز هم در آن بیشتر از رشته‌های دیگر از لیزر بهره برده می‌شود. شفاف‌بودن محیط نوری چشم سبب می‌گردد که نور لیزر بدون نیاز به اندوسکوپی بر روی ساختمان داخل چشم متمرکز شود. (کشتکار جعفری و همکاران، ۱۳۸۴ ش.). لیزر در چیزهای گوناگونی کارایی دارد و هم می‌تواند آسیب برساند و هم سودمند باشد. البته جراحی لیزری چشم باید توسط چشم‌پزشکانی که در زمینه لیزردرمانی تجربه دارند، انجام گیرد. (مؤید، ۱۳۷۹ ش.).

لیزر خاصیت آنتی‌باکتریال دارد و به کاهش عفونت کمک می‌کند. همچنین عوارض بعد از جراحی از جمله درد و احتمال عفونت بسیار کاهش می‌یابد و با تغییر طول موج آن، می‌توان عمق را تعیین کرد. (ارجمندی، ۱۳۸۸ ش.).

هنگامی که قرار باشد اجرای قصاص عیناً مقابله به مثل باشد، یعنی دقیقاً صدمه‌ای که بر مجنی‌علیه وارد شده به همان شکل به مجرم وارد گردد، در بیشتر موارد اجرای این‌گونه احکام قصاص عملی نمی‌شود و ممکن است در اجرای آن، صدمه زیادتری وارد گردد که به ناچار در این موارد توافق به دیه صورت می‌گیرد. (جعفرزاده، ۱۳۸۶ ش.). بنابراین آزار محکوم به قصاص بیشتر از مقدار جنایت، خود موجب قصاص است. در نتیجه ملاک در قصاص عضو، از بین‌بردن عضوی است که از بین برده است و طریق آن اهمیت ندارد. (شکری، ۱۳۸۷ ش.).

چشم عضوی حساس، تخصص یافته و در عین حال پیچیده است و چشم پزشکی وابسته به فناوری است. این وابستگی روز بروز بیشتر می شود، به طوری که امروزه چشم پزشکان بدون شناخت کاربرد، دستگاه هایی که همه ساله وارد چشم پزشکی می شوند چه در حوزه تشخیص و چه در حوزه درمان با مشکلات جدی روبرو خواهند بود. استفاده از لیزر دریچه جدیدی را به روی دنیای چشم پزشکی گشود که منجر به سیل استفاده از لیزر شد. (ماهانامه تخصصی چشم پزشکی بصیر، ۱۳۸۸ ش.). لیزرها یکی از بزرگ ترین اختراعات گسترده در نیمه دوم قرن بیستم اند. لیزرها مولدهای کوانتومی هستند که در ناحیه بیناب نوری کار می کنند و به طور ساده آنها را مولد نور می گویند. (آشوری، ۱۳۸۶ ش.). در گفتگویی که با یکی از اساتید فوق تخصص چشم پزشکی صورت گرفت، ایشان قائل به این بودند که آسیب عمده را می توان ایجاد کرد. شبکه چشم با هر علتی آسیب ببیند با لیزر فمتو سکند^۷ می توان به شبکه آسیب رساند. اگر در اثر ضربه به چشم آب مروارید ایجاد شود، با لیزر «YAG» می توان آب مروارید ایجاد کرد. در صورتی که ضربه به عصب یا لکه زرد چشم باشد و این موجب کاهش دید باشد، باز با لیزر قابل آسیب رساندن خواهد بود. با لیزر می توان کسی را که موجب نابینایی دیگر شده، با قطع کردن عصب نابینا کرد به گونه ای که این نابینایی دیگر قابل بازگشت نباشد. (مصاحبه با دکتر سید محمد باقر ابطحی، سال ۱۳۹۲ ش.).

بهبود نتایج درمان، کاهش امکان عفونت و آلودگی به دلیل استریلیزه بودن نحوه اجرای آن و کاهش زمان بستری، انجام جراحی تقریباً بدون خونریزی، انجام جراحی کنترل شده بدون لطمه به دیگر بافت ها و استفاده از لیزر به عنوان یک چاقوی جراحی بدون خونریزی و کاهش زخم جراحی و کاهش زمان بهبودی زخم، از مزایای عمده لیزر در پزشکی است. (ارومند، ۱۳۸۵ ش.). بنابراین لیزر امکان

مساوات و مماثلت در قصاص را امکان‌پذیر می‌کند و در استفتائی که از دفتر آیت‌ا... سیدصادق شیرازی شد، چنین پاسخ داده شد که اگر کارشناس مورد اعتماد و خبیر در این‌گونه موارد، تصدیق کند که به طور یقین برابری و مماثلت بدون کم و زیاد حاصل می‌شود آن‌گاه قصاص اشکال ندارد. (استفتاء‌نگارندگان از دفتر مرجع) همچنین در استفتاء دیگری از آیت‌ا... مکارم شیرازی شده است که با توجه به پیشرفت علم، قصاص منفعت چشم (بینایی) به واسطه اشعه لیزر به راحتی میسر شده است که بدون تجاوز و تعدی به دیگر اعضا یا خود چشم این کار صورت می‌گیرد. در فرض بحث بفرمایید اگر کسی بدون آسیب‌رساندن به چشم دیگری، تنها بینایی وی را از بین ببرد، آیا در صورت جنایت بر منفعت چشم (بینایی) قصاص جانی از طرف مجنی‌علیه و با اجازه دادگاه به واسطه لیزر جایز است و یا واجب است و یا مانند گذشته باید تبدیل به دیه شود؟ دفتر ایشان پاسخ داده است: در فرض سؤال قصاص جایز است، ولی عفو و گذشت یا گرفتن دیه اولی و بهتر است. (استفتاء‌نگارندگان از دفتر مرجع)

د - واژه‌شناسی قصاص

قصاص به معنای پیروی تدریجی از اثر است و قصاص قتل و جراحات، پیروی و انجام مثل آن قتل و جراحات می‌باشد. (ابن فارس، ۱۴۰۴ ق؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق؛ زبیدی واسطی، ۱۴۰۴ ق؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ ق؛ عبدالرحمان، بی‌تا) البته آن را از قص به معنای قطع نیز گفته‌اند (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق.) و واکنش نشان‌دادن در برابر جنایت به مانند آن را نیز قصاص گویند. (ابن فهد حلی، ۱۴۰۷ ق.)

قصاص در اصطلاح این‌گونه تعریف شده است: پیگیری و تعقیب جنایت محقق شده (قتل، جرح و مانند آن) توسط جانی است و مجازات‌کردن وی به همان اندازه

که او انجام داده است، به این صورت که کشنده را بکشند و ضارب به ضرب و جراح را به جروح تنبیه کنند. (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۱ ق؛ معین، ۱۳۸۲ ش).

هـ - فلسفه قصاص

فلسفه قصاص برپای عدالت و نظم عمومی جامعه و اجرای فرمان الهی و التیام روحی اولیای دم مقتول است. (شامبیاتی، ۱۳۷۵ ش.) به عبارت دیگر این فلسفه بدین معناست که جانی همان وضعیتی را پیدا نماید که مجنی‌علیه پیدا کرده است. (به نقل از شکری و سیروس، ۱۳۸۷ ش.) امام سجاد (ع) در تفسیر آیه قصاص چنین می‌فرماید: «ای اهل ایمان، انتقام از جنایتکار پایه حیات جامعه بوده و آسایش همه طبقات بر آن استوار است؛ زیرا هر که بداند، چنانچه بر کسی جنایت وارد کند مورد انتقام و کیفر واقع خواهد شد، هرگز جنایت نخواهد کرد.» (طبرسی، ۱۴۰۳ ق.)

و - ادله اثبات قصاص

۱- قرآن

خداوند در آیه ۱۷۸ و ۱۷۹ سوره بقره می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ الْحُرُّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأُنْثَىٰ بِالْأُنْثَىٰ فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبَاعْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءٍ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ فَمَنْ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَعَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ * وَ لَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ.»^۳ اسلام با طرحی که در این آیه مطرح کرده است هم حفاظت خون مردم و هم رضایت طرفین و رعایت حدود و اندازه را در نظر گرفته است. این دین نه مانند یهود تنها راه را قصاص می‌داند و نه همچون مسیحیت بهترین راه را عفو می‌شناسد، بلکه

راه‌های مختلفی مثل قصاص و خون‌بها و عفو را مطرح می‌کند. (مکارم شیرازی، ۱۴۱۶ ق.)

۲- سنت و روایت

روایت صحیح محمد بن قیس: در این روایت امام باقر (ع) نسبت به شخص اعور (شخص یک چشم) که به عمد چشم سالمی را درآورده بود، فرمود: «تفقاً عینه»، چشم وی درآورده می‌شود. (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق.)

ز - شرایط قصاص عضو

- ۱- تساوی اعضا در سالم بودن (ابن براج و طوسی، ۱۴۱۱ ق.) تعیین‌کننده سلامت هر عضو، عرف است. (نجفی، ۱۴۰۴ ق.)
- ۲- تساوی در اصلی بودن عضو. طبق این شرط، هیچ‌گاه عضو اصلی در برابر عضو زائد و یا زائد در برابر اصلی قصاص نمی‌شود. (علامه حلی، ۱۴۱۳ ق.)
- ۳- تساوی در محل عضو مجروح یا مقطوع، یعنی برابری در محل به این معنا است که عضو راست در برابر راست و عضو چپ در برابر چپ قصاص خواهد شد. (فاضل هندی، ۱۴۱۶ ق.)

- ۴- قصاص موجب تلف جانی یا عضو دیگر نباشد. (بهجت، ۱۴۲۶ ق.)
- ۵- قصاص بیشتر از اندازه جنایت نشود، قصاص در جایی روا است که بیم هلاکت یا سرایت نباشد، یعنی افزونی قصاص بر جراحت اصلی و آنجا که بیم خطر باشد، روا نیست. (محقق حلی، ۱۴۱۸ ق؛ محمدی خراسانی، بی‌تا) در قصاص عضو، اگر قصاص سبب شود که قصاص‌شونده در معرض هلاکت قرار گیرد، قصاص ساقط شده و دیه یا ارش جایگزین می‌شود. (فیض کاشانی، بی‌تا؛ عاملی، بی‌تا) گاهی نیز قطع عضو در قسمتی واقع می‌شود که به خاطر دشواری مماثلت قصاص انجام

نمی‌گیرد، بلکه دیه یا ارش لحاظ می‌شود (طوسی، ۱۳۸۷ ش؛ محقق اردبیلی، ۱۴۰۳ ق؛ علامه حلی، ۱۴۱۳ ق؛ محقق حلی، ۱۴۰۸ ق.) و چنین مواردی معادل با تعذر در قصاص است.

ح - قصاص منفعت چشم در قانون جزا

در قانون مجازات عمومی سابق کشور ما که الهام گرفته از قوانین اروپاییان بود برای جرائم قطع عضو مجازات زندان وضع شده بود، ولی در دوره جدید، مواد ۳۸۶ الی ۴۱۶ قانون مجازات جدید به بیان قصاص عضو و شرایط و کیفیت و موجبات آن اختصاص یافته است. (قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲ ش.)

قانون‌گذار اسلامی در برخی موارد که خطر تجاوز در قصاص عضو و یا منافع وجود داشته باشد این قصاص را ساقط و آن را تبدیل به دیه کرده است، چنانچه در ماده ۴۰۱ بیان می‌دارد: «در جنایت مأمومه، دامغه، جائفه، هاشمه، مُنْقَلَه، شکستگی استخوان و صدماتی که موجب تغییر رنگ پوست یا ورم بدن می‌شود، قصاص ساقط است و مرتکب علاوه بر پرداخت دیه به تعزیر مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» نیز محکوم می‌شود. حکم مذکور در هر مورد دیگری که خطر تجاوز در قصاص عضو یا منافع وجود داشته باشد، نیز جاری است». همچنین به صورت صریح در ماده ۴۰۴ در مورد منفعت بینایی اظهار نظر کرده حکم قصاص را به صورت اولیه جاری دانسته، ولی در صورت عدم وجود شرایط آن را تبدیل به دیه کرده است. در این ماده این چنین قانون‌گذاری شده است: «اگر شخصی بدون آسیب‌رساندن به حدقه چشم دیگری، بینایی آن را از بین ببرد، فقط بینایی چشم مرتکب، قصاص می‌شود. چنانچه بدون آسیب به حدقه چشم مرتکب، قصاص ممکن

نباشد، تبدیل به دیه می‌شود و مرتکب به پرداخت دیه و تعزیر مقرر در قانون محکوم می‌شود.»

قصاص چشم بدون خلاف ثابت و هیچ اشکالی در این حکم وجود ندارد، حتی اگر جانی، اعور (کسی که چشمش لوچ است) باشد که این اعوربودن از زمان خلقتش یا به خاطر ضرر آسمانی باشد یا به خاطر جنایتی باشد، به خاطر عمومیت ادله قصاص، قصاص می‌شود و چیزهایی مانند لاله گوش، نرمه بینی و چشم را می‌توان قصاص کرد، اما این نوع قصاص امروزه کم‌تر شده است، زیرا طرفین را به سازش دعوت می‌نمایند و اگر سازش صورت نگیرد، حکم صادر می‌شود. وقتی نوبت به اجرای احکام می‌رسد، ابتدا جانی را به پزشکی قانونی می‌فرستند و سؤال می‌کنند، آیا امکان مماثلت وجود دارد؟ پاسخ پزشکی قانونی در اکثر موارد منفی است، زیرا امکان مساوات وجود ندارد و معمولاً قاضی اجرای احکام در این موارد طرفین را به مصالحه دعوت می‌نماید و اغلب مصالحه انجام می‌گیرد. (گودرزی، ۱۳۹۰ ش.)

ط - موانع اجرای قصاص در منفعت چشم

برخی موانع در قصاص وجود دارد که زمینه اجرای حکم قصاص را از بین می‌برند، یعنی امکان صدور حکم قصاص فراهم است، اما امکان اجرای آن برقرار نیست، مثل صورتی که با اجرای قصاص عضو، خوف تلف نفس یا عضو جانی باشد، حکم قصاص اجرا نمی‌شود. حال در این موارد که قصاص به هر علتی منتفی است، آیا دمه جانی به چیزی مشغول نیست، یا این‌که می‌توان وی را ضامن دیه دانست؟ به این معنا که در هر صورت باید قصاص صورت گیرد یا دیه جایگزین می‌شود؟ فقها در اینجا دو دیدگاه را ذکر کرده‌اند:

۱- دیدگاه اول: قصاص منفعت چشم

توجه به کتب فقهی که در آن‌ها از قصاص صحبت شده، نشان‌گر این موضوع است که در زمان‌های قدیم حتی با کمبود امکانات، قصاص چشم و بینایی انجام می‌شده است. از دیرباز فقیهان بحث قصاص منفعت چشم را طرح کرده‌اند که به سخنان فقیهان اشاره می‌گردد:

شیخ طوسی بر این باور است که اگر کسی بر چشم دیگری ضرری وارد آورد و به صورتی که بینایی وی از بین برود، ولی حدقه چشم باقی باشد، مثل این که به وی سیلی بزند و یا سروی را به چیزی بکوبد، قصاص در بینایی ثابت است و همان کار را می‌تواند انجام دهد. اگر به این وسیله بینایی از میان نرفت پس اگر ممکن باشد به وسیله دارو این کار صورت گیرد یا چیزی بر آن گذاشته شود، تا بینایی از بین رود این کار را انجام دهد. پس اگر نشد، بر پلک‌های وی پنبه مرطوبی گذاشته می‌شود و آهن گداخته‌ای را به حدقه چشم وی نزدیک می‌کنند، تا بینایش از بین برود، البته اگر این ترس وجود داشته باشد که حدقه از بین برود، دیه گرفته می‌شود. (طوسی، ۱۳۸۷ ش.) بنابراین در زایل شدن نور چشم برای مجنی‌علیه این حق ایجاد می‌شود که به مثل آن قصاص کند البته مشروط به این که چنین امکانی برای او وجود داشته باشد. (فیاض کابلی، ۱۴۲۶ ق.)

برخی فقیهان پس از بیان مطالبی شبیه به سخنان شیخ طوسی در چگونگی قصاص نوشته‌اند: بر پلک‌های جانی پنبه مرطوب گذاشته می‌شود و چشمان وی در برابر آئینه‌ای که در برابر خورشید حرارت دیده است، قرار داده می‌شود تا نور آن از بین برود. (محقق حلی، ۱۴۰۸ ق؛ علامه حلی، ۱۴۱۳ ق.) برخی پیشنهاد داده‌اند که در چشم وی ذرات کافور ریخته می‌شود تا نور چشم وی از میان برود. (فاضل هندی، ۱۴۱۶ ق.)

نکته قابل توجه اینست که اگر چشم مجنی‌علیه افزون بر این که بینایش از بین برود، سفید نیز گردد اگر بتوان چاره‌ای جست تا چشم جانی را نیز افزون بر این که بینایش را بین می‌برند، سفید نیز بکنند این کار می‌شود، در غیر این صورت چیزی بر جانی نیست، زیرا این مانند زخم موضعه است که قصاص می‌شود و چنانچه موضعه جانی به صورت خوبی بهبود پیدا کند، ولی در مجنی‌علیه به صورت نازیا بهبود پیدا کند، به سبب این زشتی چیزی بر جانی نیست. (عاملی، بی‌تا)

امام خمینی در تحریر الوسيله می‌فرماید: قصاص در چشم ثابت است و با مساوی بودن محل، قصاص صورت می‌گیرد و اگر نور چشم مجنی‌علیه از بین برود و حذقه باقی بماند، اگر امکان از بین بردن بینایی با بقای حذقه ممکن باشد، قصاص می‌شود پس به پزشکان حاذق رجوع می‌شود. (خمینی، بی‌تا)

۱-۱- دلیل قصاص منفعت چشم: مهم‌ترین دلیلی که بر قصاص در مثل جنایت بر منافع چشم (بینایی) است اطلاق ادله مثل «العین بالعین» (مائه: ۴۵) است و اگر بتوان بر اساس آیه «فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ» (بقره: ۱۹۴) این مماثلت و هماهنگی را در از بین بردن بینایی برقرار کرد، بدون این که جنایت زایدی ایجاد شود، در این صورت بر اساس اطلاق ادله قصاص، قصاص جاری است (تبریزی، ۱۴۲۶ ق.) و در صورتی که مماثلت باشد، قصاص صدق خواهد کرد و در صورت عدم مماثلت عنوان قصاص جاری نخواهد بود. یادآوری این نکته بایسته است که مقصود از مماثلت نیز مماثلت نسبی خواهد بود. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷ ق.)

رفاعه از امام صادق (ع) روایتی نقل کرده است که مردی از قبیله قیس شخص آزادشده خود را نزد عثمان برد و شکایت کرد که او را چنان سیلی زده که آب چشمش ریخته و خود چشم پا برجاست و چیزی نمی‌بیند. عثمان گفت: باید به تو دیه دهد. او خوداری کرد عثمان هر دو را نزد امام علی (ع) فرستاد و گفت:

میان آن دو حکم کن. امام (ع) به او دیه داد، بنده از گرفتن خودداری کرد. امام (ع) پیوسته مقدار دیه را بالا برد تا به دو دیه رسانید و او از پذیرفتن خودداری کرد و می‌گفت: جز قصاص چیزی نمی‌خواهم. امام (ع) آینه‌ای خواست بعد پنبه‌ای را طلب کرد و آن را تر کرد و بر حدقه‌های او قرار داد و او را در برابر آینه داغی که روبروی خورشید بود قرار داد و وی را مجبور کرد که چشمان خود را باز کند و به آینه نگاه کند تا این که نور چشمانش زایل شد و حدقه باقی ماند. (کلینی، ۱۴۰۷ ق؛ طوسی، ۱۴۰۷ ق؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ ق؛ مجلسی، بی‌تا) ذیل روایت نشان می‌دهد که در جنایت بر منافع مانند شنوایی، بینایی و شنوایی ظاهر عضو سالم از آسیب است، (گرجی، ۱۳۸۰ ش.) چنانچه دیده می‌شود، اصل اولی قصاص است و با قصاص برای مجنی‌علیه تشفی خاطر حاصل می‌شود. بنابراین مجنی‌علیه نسبت به جانی سلطه دارد البته مراد از سلطه حق قصاص است. در بین اهل سنت نیز افرادی در این مورد قائل به قصاص شده‌اند و به همین روایت استناد جسته‌اند. (ابن قدامه، بی‌تا)

۲-۱- بررسی روایت رفاعه: اولاً سند روایت ضعیف است و در سلسله سند این روایت سلیمان‌الدهان قرار گرفته است که توثیق وی ثابت نشده است و از وی مدح نشده است؛ ثانیاً روایت رفاعه دلالتی بر تعیین این روش از قصاص ندارد و در مورد این که این روش از قصاص واقعاً اتفاق افتاده باشد، جای تأمل و نظر است. (خویی، ۱۴۲۲ ق.) از طرفی به خاطر این که در کتب روایی اسمی از سلیمان نیامده است، روایت مجهول است. (مجلسی، ۱۴۰۴ ق؛ عاملی ترحینی، ۱۴۲۷ ق.) همچنین در سلسله سند این روایت ابن فضال قرار گرفته که فطحی مذهب بوده است و امام حسن عسکری در مورد وی چنین گفته است «خذوا ما رووا و ذروا ما رأوا؛ روایت آنان را بگیرید و عقاید آنان را رها کنید.» (مرعشی نجفی، ۱۴۱۵ ق.)

در جواب به این اشکالات پاسخ داده می‌شود هرچند در سلسله سند این روایت سلیمان‌الدهان قرار دارد، ولی روایت از جهت مشکلی ندارد و شهرت عملی منجر ضعف این روایت است، یعنی عمل اصحاب به این روایت ضعف سند را جبران می‌کند، (مدنی کاشانی، ۱۴۱۰ ق.) هرچند که وثاقت سلیمان ثابت نشده است، اما بر این شیوه از قصاص ادعای اجماع شده است و اخبار نیز دال بر این شکل از قصاص نیز هستند (طوسی، ۱۴۰۷ ق.) و استیفای این نوع از قصاص نیز بین فقها مشهور بوده است (شهید ثانی، ۱۴۳۲ ق.) اطلاقات ادله قصاص، مانند آیه معاقبه (نحل: ۱۲۶) و آیه اعتداء (بقره: ۱۹۴) دلالت بر قصاص در منفعت چشم که بینایی باشد، می‌کند و همین اطلاقات برای مستند قصاص کافی است. (مرعشی نجفی، ۱۴۱۵ ق.) همچنین عموم دلیل آیه «العينُ بالعين» (مائده: ۴۵) بر قصاص منفعت چشم نیز دلالت می‌کند. (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳ ق.) بنابراین به نظر می‌رسد اشکالی بر این روایت از جهت استناد برای قصاص وارد نباشد، زیرا مثلاً فتحی مذهب‌بودن یک راوی دلیل بر ترک روایات وی نیست و ضعف روایت نیز به خاطر شهرت و اجماع و مانند آن جبران شده است. البته نکته قابل توجه که برخی به آن اشاره کرده‌اند نیز اینست که این روش تنها یکی از روش‌هایی است که قصاص به واسطه آن صورت می‌گیرد و روش یادشده در روایت تنها روش برای استیفای قصاص نیست. (مجلسی، ۱۴۰۶ ق.) در تأیید قصاص که براینند این روایت است نکته‌هایی را می‌شود یادآور شد: نخست این‌که این روایت از طرف برخی از شارحان من لایحضره الفقیه روایتی قوی به مانند صحیح شمرده شده است. (مجلسی، ۱۴۰۶ ق.) دوم: این روایت را شیخ حر عاملی مستند برای قصاص قرار داده است و برای آن یک باب اختصاص داده است «باب کیفیه القصاص اذا لطم انسان عین آخر فانزل فیها الماء» (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق.) سوم این‌که با توجه به این‌که در گذشته راه دیگری

برای اجرای قصاص وجود نداشته است، این روش یک روش پذیرفته شده بوده است (محقق خوانساری، ۱۴۰۵ ق.) و این روایت دلالت بر نفی مشروعیت قصاص به گونه دیگری نمی‌کند. (مدنی کاشانی، ۱۴۱۰ ق.) چهارم: ضعف روایت سبب عدم تعیین راه پیشنهاد شده است و نه رد کردن قصاص. (شهید ثانی، ۱۴۱۳ ق؛ خویی، ۱۴۲۲ ق.) هم‌اکنون از لیزر می‌توان برای اجرای قصاص بهره برد؛ بنابراین اصل قصاص ثابت است و روش آن تفاوت چندانی در دیدگاه به قصاص ندارد.

۲- دیدگاه دوم: پرداخت دیه در آسیب به بینایی

موارد بسیاری یافت می‌شود که در قصاص چشم حکم به دیه شده است و این به خاطر عدم مماثلت و عدم رعایت تساوی و احتمال تلف جانی است. در پرونده‌ای در شعبه ۱۲ دیوان عالی کشور به کلاسه پرونده ۱۲-۱۸/۳۳۸۸ به شماره دادنامه ۱۲/۲۹۷ آمده است: دادگاه رأی به قصاص چشم چپ محکوم‌علیه توسط مجنی‌علیه را صادر نموده است، لکن شعبه دیوان عالی کشور به لحاظ عدم امکان رعایت تساوی و مماثلت و این که در این مورد احتمال تلف جانی متصور است، رأی را نقض نموده و به دیه حکم کرده است. (بازگیر، ۱۳۸۸ ش.) در برابر گروه نخست، برخی از فقیهان بر این باورند که در منافع، قصاص وجود ندارد و معمولاً در موارد ضرب و جرح عمدی حکم به دیه می‌شود و کم‌تر دیده شده که حکم به قصاص یا جراحت عضو جانی به همان شکل جنایت داده شود، (زراعت، ۱۳۸۵ ش.) به خاطر این که مماثلت ممکن نمی‌باشد و در نتیجه تنها تبدیل به دیه می‌شود و دیه هر دو چشم هزار دینار (یک دیه کامل) می‌باشد. (مغنیه، ۱۴۲۱ ق؛ روحانی، ۱۴۱۲ ق.)

۲-۱- دلایل دیدگاه دوم: دلیل این دسته از فقیهان چند روایت می‌باشد که

یادآوری می‌گردد.

- روایت ابراهیم بن عمر: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: «قَضَى أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي رَجُلٍ ضَرَبَ رَجُلًا بِعَصَا فَذَهَبَ سَمْعُهُ وَبَصَرُهُ وَلِسَانُهُ وَعَقْلُهُ وَفَرْجُهُ وَانْقَطَعَ جَمَاعُهُ وَهُوَ حَيٌّ بِسِتِّ دِيَّاتٍ؛ إِمَامٌ صَادِقٌ (ع) مَيِّ فَرَمَإِد: أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع) دَرَبَارَه مَرْدِي كَه دِيْغَرِي رَا بَا عَصَا زَدَه بُوَد دَر نَتِيْجَه اَن، شَنَوَايِي، بِيْنَايِي، گُوِيَايِي، عَقْل وَ شَرْمَگَاه وَی از بِيْن رَفْتَه بُوَد وَ تَوَانَايِي بَر جَمَاع نَدَاشَت، وَلی زَنَدَه مَانَدَه بُوَد حَکَم بَه پَرَدَاخْت شَش دِيَه کَرْد.» (کَلِيْنِي، ۱۴۰۷ ق.) صَاْحِب جَوَاهِر دَر اِيْن رَاْبَطَه بِيَان مَي دَارَد کَه بِيْنَايِي جَزْء مَنَفْعَت چَشْم اَسْتُ، بَرخَلَاَف شَنَوَايِي کَه مَنَفْعَت گُوشْ هَا بَه حَسَاب نَمِي آيَد، بَلْکَه هَر کَدَام نَقْش جَدَاگَانَه اَي دَارَنَد وَ بَدِيْن سَبَب دَارَاي دِيَه جَدَاگَانَه هَسْتَنَد. (نَجْفِي، ۱۴۰۴ ق.)

- روایت ظریف: در روایت طولانی دیگری آمده است «وَالضَّوُّ كُلُّهُ مِنَ الْعَيْنِ أَلْفُ دِينَارٍ؛ دِيَه بِيْنَايِي دُو چَشْم هَزَار دِيْنَار اَسْتُ.» (طُوسِي، ۱۴۰۷ ق.)

- روایت سلیمان بن خالد: «... وَ سَأَلْتُهُ عَنِ الْعَيْنِ يَدْعِي صَاحِبَهَا أَنَّهُ لَا يُصِيرُ بِهَا قَالَ يُوجَلُّ سَنَةً ثُمَّ يُسْتَحْلَفُ بَعْدَ السَّنَةِ أَنَّهُ لَا يُصِيرُ ثُمَّ يُعْطَى الدِّيَّةُ...؛ سَلِيْمَان مَي گُويَد: از اِمَام صَادِق (ع) دَرَبَارَه چَشْمِي کَه صَاْحِب اَن مَدْعِي اَسْتُ بَا اَن نَمِي بِيْنَد، پَرَسِيْدَم. حَضَرْتُ فَرَمُود: تَا يَک سَال مَهْلَت دَاَدَه مَي شُود وَ پَس از يَک سَال از وَی مَي خُواَهَنَد کَه قَسْم بَخُورَد کَه نَمِي بِيْنَد، سَپَس بَه وَی دِيَه دَاَدَه مَي شُود.» (ابن بابويه، ۱۴۱۳ ق.)

- روایت اصبع بن نباته: «قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَ ضَرَبَ رَجُلٌ رَجُلًا فِي هَامَتِهِ عَلَى عَهْدِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَ فَادَعَى الْمَضْرُوبُ أَنَّهُ لَا يُصِيرُ بِعَيْنَيْهِ شَيْئًا وَ أَنَّهُ لَا يَشْمُ رَائِحَةً- وَ أَنَّهُ قَدْ خَرَسَ فَلَا يَنْطِقُ فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَ إِنْ كَانَ صَادِقًا فَقَدْ وَجَبَتْ لَهُ ثَلَاثُ دِيَّاتٍ النَّفْسُ؛ اِمَام بَاقر (ع) مَي فَرَمَايَنَد مَرْدِي دَر زَمَان اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (ع) ضَرْبَه اَي بَر سَر دِيْغَرِي وَارَد کَرْد. مَضْرُوب اَدْعَا کَرْد کَه بِيْنَايِي وَ بُوِيَايِي وَ قَدَرْتُ تَکَلَّم خُود رَا بَه کَلِي از دَسْتُ دَاَدَه

است، حضرت فرمود: اگر مضروب راست بگوید، سه ديه نفس (ديه کامل) برای او لازم است.» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ ق.)

۲-۲- بررسی روایات: به روایت اول اشکالاتی وارد شده است: نخست این که برخی ابراهیم بن عمر را که در سند آن است تضعیف کرده اند و دوم این که این روایت با صحیحہ ابی عبیدہ حذاء در تعارض است که مضمون آن اینست که اگر یک ضربه، جنایات متعدد را پدید آورد در این صورت اغلظ الجنایتین محاسبه می گردد و در مقام تعارض روایت از حجیت ساقط می شود. (مدنی کاشانی، ۱۴۰۸ ق.)

در روایت دوم نیز که محمد بن عیسی از یونس این روایت را نقل کرده است در برخی از نقل ها به جای آن کلمات، عبارت «الصوت کله من الغن» آورده شده است (طوسی، ۱۴۰۷ ق.) که به معنای ناتوانی در صدا از جهت ادای غنه است و البته این تصحیف است و این که کدام عبارت درست است جای تحقیق دارد.

روایت سوم نیز از جهاتی قابل بررسی است، زیرا اولاً سند روایت ضعیف است، زیرا حماد بن زید از سلیمان بن خالد روایت را نقل کرده است و افزون بر این اصحاب به مضمون این روایت عمل نکرده اند. (خویی، ۱۴۲۲ ق.) دوم این که این مقام ادعا است که باید اثبات گردد و در برابر این روایت روایات دیگری وجود دارد که در صورت ادعای مجنی علیه بر صدمه دیدنش باید وی مورد امتحان و آزمایش قرار گیرد و در صورتی که صدمه دیدن وی احراز شود، در استناد جنایت به جانی کفایت نمی کند و جایگاه لوث است، در نتیجه باید با قسامه به اثبات برسد. نکته دیگر اینست که در اینجا چه بسا جنایت، جنایت خطایی و یا شبه عمد محسوب گردد که جایگاه ديه است و در نتیجه، بحث از جنایت عمدی بیرون می باشد. (تبریزی، ۱۴۲۸ ق.)

روایت چهارم که از اصبع است، هرچند از نظر سند مشکل دارد، ولی این روایت نیز به نقل از صدوق صحیح است، (خویی، ۱۴۲۲ ق.) ولی توجیهی که درباره این روایت گفته شده است اینست که این روایت در مقام بیان جنایت غیر عمدی است، زیرا اگر جنایت عمدی باشد، قصاص می‌شود و جنایت عمدی با بینه که دو شاهد مرد باشد، به اثبات می‌رسد. (شوشتری، ۱۴۰۶ ق.) افزون بر این اشکالی که به روایت سوم وارد می‌شد، بر این روایت نیز وارد است، مبنی بر این که در صورتی که صدمه دیدن وی احراز شود، در استناد جنایت به جانی کفایت نمی‌کند و جایگاه لوث است، در نتیجه باید با قسامه به اثبات برسد.

در نتیجه آنچه از این روایات به دست می‌آید یا باید گفت که در مورد بحث غیر عمد است که جایگاه دیه است و یا این که احکام مربوط به این موارد مربوط به زمانی است که امکان قصاص کردن این منافع به خاطر عدم وجود ابزار مناسب در زمان مربوط به صدور این روایات وجود نداشته است. بنابراین حکم به دیه تبدیل شده است، ولی در زمان‌های کنونی، ابزارهای نوین چنین امکانی را به افراد داده تا قصاص مماثل را انجام دهند.

۳- بررسی دیدگاه‌ها

از آنجایی که در قصاص عضو همانندی قصاص با عمل انجام‌شده ملاک است، قصاص با هر وسیله‌ای که آسان‌تر باشد و موجب ایذاء مجرم نباشد، جایز است، زیرا در روایت چیزی که دلالت بر تعیین روش قصاص بکند، وجود ندارد تا بتواند اطلاعات ادله قصاص را تقیید بزند. افزون بر این مطلب این روایت به نظر می‌رسد یک چاره‌جویی در واقعه‌ای خاص بوده است که حصر روش را نمی‌فهماند. (نجفی، ۱۴۰۴ ق.) همچنین منظور از مماثلت، مثلثیت و هم‌گونی جنایت و کیفر در اثر فعل مجرمانه است. به این صورت که اثر فعل مجرمانه به نحو اهون و احسن مورد

قصاص قرار گیرد، (معاونت آموزش قوه قضاییه، ۱۳۸۷ ش.) نصوص نیز این نوع مماثلت را تأیید می‌کنند. مانند این روایت که حلبی می‌گوید: از امام صادق (ع) پرسیدم مردی با عصای خود، مرد دیگر را آن قدر زد تا این که مرد، حال آيا قاتل به ولی سپرده می‌شود تا او را بکشد؟ امام فرمود: آری، اما قاتل را در اختیار آن نمی‌گذارند تا با شکنجه او را بکشد، ولی می‌توانند با شمشیر او را بکشند. (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق.) چنانچه پیداست در این روایات شمشیر موضوعیت ندارد و ابزار قصاص نیز منحصر در شمشیر نیست، بلکه می‌توان از سایر ابزارهای همانند که از نظر سرعت و سهل بودن در همسان شمشیر و یا بهتر از آن است (مثل لیزر)، استفاده کرد. (معاونت آموزش قوه قضاییه، ۱۳۸۷ ش.) در مواردی هم که نص یا فتوای صریح بر عدم قصاص وجود دارد، در صورت امکان قصاص و عدم خوف خطر جانی یا نقص عضو، حق قصاص به دلیل پیشرفت علم پزشکی و سایر علوم مرتبط و در نتیجه شرایط زمان و مکان، ثابت است؛ به دلیل این که چنین ممنوعیتی معلل به تغیر یا عدم امکان استیفای مثل است، بنابراین قصاص نیز جایز است. (معاونت آموزش قوه قضاییه، ۱۳۸۷ ش.)

با توجه به موارد گفته شده، این نتیجه به دست می‌آید که انجام قصاص از زمان‌های قدیم وجود داشته و انجام می‌گرفته است. با توجه به پیشرفت سریع علم و فناوری و تکنولوژی به ویژه در رشته‌های پزشکی این گونه قصاص محتمل و امکان پذیر می‌باشد و هر جا بیم خطر زندگی کسی در میان باشد، قصاص عضو جایز نیست. در ماده ۲۷۷ قانون مجازات سابق چنین آمده است: «هرگاه در قصاص عضو رعایت تساوی ممکن نباشد، مانند بعضی از جراحات‌های عمیق یا در مورد شکسته شدن استخوان‌ها یا جابجاشدن آن‌ها به طوری که قصاص موجب تلف جانی یا زیاده از اندازه جنایت گردد، باید دیه آن داده شود چه مقدار آن دیه

شرعاً معین باشد یا با حکم حاکم شرع معین گردد. (شکری، ۱۳۸۷ ش.). بنابراین می‌توان گفت اگر فقیهان قصاص را در فرض بحث روا ندانسته‌اند به خاطر این بوده است که از آسیب‌های احتمال واهمه داشته‌اند و اگر ایمنی در این جهت وجود داشته باشد که قصاص هیچ تعدی و تجاوزی را در پی نداشته باشد، عذری برای تبدیل قصاص به دیه نخواهد بود. برای همین است که برخی از فقیهان بر این باورند که مجری قصاص باید متخصص باشد یا این‌که به یک چشم‌پزشک متخصص وکالت دهد تا قصاص را انجام دهد چنانچه در این‌باره آمده است: (سؤال ۲۵۵۴) همان‌طور که اطلاع دارید ولیّ دم بعد از ثبوت قصاص می‌تواند شخصاً قاتل را قصاص کند یا وکیل بگیرد. در مورد قصاص عضو در بعضی موارد در اجرای این حکم با اشکال روبرو می‌شویم. مثلاً اگر کسی به دلیل جنایت بر چشم فردی که موجب زوال بینایی او شده، محکوم به ازاله بینایی چشم خود شد و ازاله بینایی بدون لطمه‌زدن به سازمان چشم جانی نیز امکان‌پذیر باشد، در این صورت آیا مجنی‌علیه اگر چشم پزشک نباشد باید به یک چشم پزشک متخصص وکالت دهد؟ در صورتی که اگر او به غیر متخصص وکالت دهد، قطعاً مماثلت در قصاص که مورد نظر قطعی شارع است رعایت نخواهد شد. در این‌گونه موارد تکلیف چیست؟ جواب: در این قبیل امور که تصرف در بدن غیر است، وکیل باید مورد اعتماد و کارشناس و متخصص در کاری باشد که به او محول می‌شود وگرنه حق اجرا ندارد و در هر صورت اگر خطا کرد ضامن است. اگر دسترسی به متخصص نیست، قهراً قصاص منتفی است و به دیه تبدیل می‌گردد. (منتظری، بی‌تا)

نتیجه‌گیری

این پژوهش به دستاوردهایی دست یافته است که عبارتند از:

- ۱- یکی از موضوعاتی که زمان و مکان در آن دخیل است، ابزار قصاص است.
- ۲- از مجموع روایات و دیدگاه فقها چنین برداشت می‌شود که در قصاص عضو باید از ابزاری استفاده شود که ضمن انجام قصاص و رعایت شرایط قصاص، که همان مماثلت و برابری است، حفظ جان قصاص‌شونده امکان داشته باشد و مقتضای جنایت عدوانی آن است که مقابله به مثل شود و قصاص، مقابله به مثل جنایت بر نفس یا مادیات نفس است.
- ۳- چون قصاص، امر مسلمی است که نباید هدر برود، در مواردی که امکان استیفای قصاص نباشد، قصاص به دیه منتقل می‌شود.
- ۴- در قصاص چشم که در قدیم با پنبه و گرم کردن به وسیله نور خورشید در مقابل آینه، انجام می‌شد، امروزه به وسیله ابزار جدید که به مجرم عذاب و مشقتی وارد نمی‌شود، باید صورت گیرد.
- ۵- به خاطر امکان‌پذیر بودن قصاص چشم از طریق لیزر و با توجه به مزایای حاصل از لیزر در پزشکی، باید قصاص منفعت صورت گیرد. البته می‌توان با تنقیح مناط و اولویت، جواز قصاص منفعت چشم را از طریق لیزر به دست آورد به این صورت که وقتی قصاص با ابزارهای مثل تفنگ، شوک برقی و مانند آن به خاطر عدم ایذاء جانی جایز است، پس به طریق اولی از طریق لیزر که سریع‌تر و آسان‌تر از سایر وسایل مشابه است؛ هم امکان‌پذیر می‌شود.

پی‌نوشت‌ها

۱. امیرالمؤمنین علی (ع) می‌فرماید: «والقصاص حقنا للدماء؛ قصاص برای پاسداشت خون‌ها تشریع شده است.» (سیدرضی، ۱۴۱۴ ق.).
۲. برای نمونه شیخ صدوق بابی را با عنوان «باب ما یجب من احياء القصاص» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ ق.) تمیمی مغربی بابی را با عنوان «فصل ذکر القصاص» (تمیمی، ۱۳۸۵ ق.) و مهم‌تر از همه صاحب وسائل کتابی را به بحث قصاص اختصاص داده است که خود از ابواب گوناگونی تشکیل شده است. (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق.).
۳. ای افرادی که ایمان آورده‌اید! حکم قصاص در مورد کشتگان، بر شما نوشته شده است: آزاد در برابر آزاد، و برده در برابر برده، و زن در برابر زن، پس اگر کسی از سوی برادر (دینی) خود، چیزی به او بخشیده شود، (و حکم قصاص او، تبدیل به خون‌بها گردد)، باید از راه پسندیده پیروی کند (و صاحب خون، حال پرداخت کننده دیه را در نظر بگیرد.) و او [قاتل] نیز، به نیکی دیه را (به ولی مقتول) بپردازد (و در آن، مسامحه نکند). این، تخفیف و رحمتی است از ناحیه پروردگار شما! و کسی که بعد از آن، تجاوز کند، عذاب دردناکی خواهد داشت و برای شما در قصاص، حیات و زندگی است، ای صاحبان خرد! شاید شما تقوا پیشه کنید.

فهرست منابع

قرآن کریم.

قانون مجازات اسلامی.

ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۱۳ ق.). من لا یحضره الفقیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی، جلد سوم: ص ۲۰؛ جلد چهارم: صص ۱۶، ۱۳۴.

ابن براج طرابلسی، عبدالعزیز بن نحیر. (۱۴۱۱ ق.). جواهر الفقه. قم: دفتر انتشارات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول، ص ۲۱۵.

ابن حمزه طوسی، محمد بن علی. (۱۴۰۸ ق.). الوسيله الی نیل الفضیله. محقق محمد حسون، قم: انتشارات کتابخانه آیت‌ا... مرعشی، چاپ اول، ص ۴۴۶.

ابن سعید حلی، یحیی بن سعید. (۱۴۰۵ ق.). الجامع الشرائع. قم: مؤسسه سیدالشهدا (ع)، چاپ اول، ص ۶۱۰.

ابن فارس، احمد. (۱۴۰۴ ق.). معجم المقایس اللغة. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی وابسته به حوزه علمیه قم، جلد پنجم، چاپ اول، ص ۱۱.

ابن فهد حلی، احمد بن محمد. (۱۴۰۷ ق.). المذهب البارع فی شرح المختصر النافع. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، جلد پنجم، چاپ اول، ص ۱۳۵.

ابن قدامه، عبدالله. (بی تا). المغنی. بیروت: دارالکتب العربی، جلد بیست و نهم، ص ۴۲۸.

ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ ق.). لسان العرب. بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، جلد هفتم، چاپ سوم، صص ۳، ۷۴.

ارجمندی، احسان. (۱۳۸۸ ش.). اعجاز لیزر. ماهنامه مهندسی پزشکی و تجهیزات آزمایشگاهی. شماره صد و هفتم، صص ۷۷-۷۴.

ارومند، زهرا. (۱۳۸۵ ش.). لیزر و کاربردهای آن. تهران: انتشارات دانش پرور، چاپ اول، صص ۱۴، ۹۷.

آشوری، ایران. (۱۳۸۶ ش.). لیزر و کاربردهای آن. علوم و فنون. شماره سوم، ص ۱.

بازگیر، یدالله. (۱۳۸۸ ش.). قصاص عضو و دیه اعضا. تهران: انتشارات جنگل، چاپ دوم، ص ۸۱.

بهجت، محمدتقی. (۱۴۲۶ ق.). جامع المسائل. قم: ناشر دفتر آیتا... بهجت، جلد پنجم، چاپ دوم، ص ۴۴۷.

تبریزی، جواد. (۱۴۲۸ ق.). تنقیح مبانی الاحکام، کتاب الدیات. قم: دارالصدیقه الشهیده (س)، چاپ اول، صص ۲۵۶، ۳۰۱.

تمیمی مغربی، نعمان. (۱۳۸۵ ق.). دعائم الاسلام. قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، جلد دوم، ص ۴۰۴.

جعفرزاده، فخرالدین. (۱۳۸۶ ش.). اجرای احکام کیفری در حقوق ایران و فرانسه. اصفهان: انتشارات دادیار، چاپ اول، ص ۳۲.

جوفی، استفان. ابستان، گریگوری. (۱۳۶۹ ش.). لیزر در پزشکی یک راهنمای مقدماتی. مترجم حبیب تجلی، تبریز: انتشارات عمیدی، چاپ دوم، صص ۷۴، ۷۸.

- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ ق.). *تفصیل وسائل الشیعه الی التحصیل مسائل الشریعه*. قم: ناشر مؤسسه آل البیت (علیهم السلام)، جلد بیست و نهم، چاپ اول، صص ۱۲۶، ۱۷۳، ۱۷۸.
- حسین نیا، عبدالحمید. سجادی، سیدمحمدعلی. سلیمانی، فرامرز. (۱۳۶۷ ش.). *لیزر در پزشکی*. تهران: انتشارات آدینه، چاپ اول، ص ۸۷.
- خمینی، روح الله. (بی تا). *تحریر الوسیله*. قم: مؤسسه مطبوعات دارالعلم، جلد دوم، چاپ اول، صص ۵۴۵، ۵۵۰.
- خویی، ابوالقاسم. (۱۴۲۲ ق.). *مبانی تکمله المنهاج*. قم: مؤسسه احیای آثار الإمام الخوئی (ره)، جلد دوم، چاپ اول، صص ۱۹۵، ۲۰۱، ۴۴۱، ۴۹۳.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ ق.). *مفردات الفاظ قرآن*. لبنان: دارالعلم، چاپ اول، ص ۶۷۲.
- روحانی، صادق. (۱۴۱۲ ق.). *فقه الصادق (ع)*. قم: مدرسه امام صادق (ع)، جلد بیست و ششم، چاپ اول، ص ۳۱۷.
- زبیدی واسطی، محمدمرتضی. (۱۴۱۴ ق.). *تاج العروس من جواهر القاموس*. بیروت: دارالفکر، جلد نهم، چاپ اول، ص ۳۳۸.
- زراعت، عباس. (۱۳۸۵ ش.). *حقوق جزای عمومی*. تهران: ققنوس، جلد دوم، چاپ اول، ص ۷۰.
- سبزواری، عبدالاعلی. (۱۴۱۳ ق.). *مذهب الأحکام فی بیان الحلال و الحرام (للسبزواری)*. قم: مؤسسه المنار، جلد بیست و نهم، چاپ چهارم، ص ۴۳.
- سیدرضی، محمد بن حسین. (۱۴۱۴ ق.). *نهج البلاغه*. مصحح عزیزالله عطاردی، قم: مؤسسه نهج البلاغه، ص ۴۵۱، حدیث ۲۴۴.
- سیستانی، علی. (بی تا). *استفتائات*. نرم افزار مکتبه اهل بیت (ع)، صص ۱۶۵-۱۶۶.
- شاکری، حسین. (۱۴۱۷ ق.). *موسوعه المصطفی و العتره*. قم: نشر الهدی، جلد نهم، چاپ اول، ص ۳۴۶.

شامبیاتی، هوشنگ. (۱۳۷۵ ش.). حقوق جزای عمومی. تهران: انتشارات مجد، جلد دوم، چاپ هفتم، صص ۳۲۰-۳۱۶.

شکری، سیروس. قادر، رضا. (۱۳۸۷ ش.). قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی. تهران: نشر مهاجر، چاپ هفتم، صص ۳۰۵، ۳۰۸-۳۰۷.

شوشتری، محمدتقی. (۱۴۰۶ ق.). النجعه فی شرح الممعه. تهران: کتابفروشی صدوق، جلد یازدهم، چاپ اول، ص ۴۳۹.

طبرسی، احمد بن علی. (۱۴۰۳ ق.). الإحتجاج. مشهد: نشر مرتضی، جلد دوم، چاپ اول، ص ۳۱۸.

طلوسی، محمد بن حسن. (۱۳۸۷ ق.). المبسوط فی فقه الامامیه. مصحح محمدتقی کشفی، تهران: مکتبه المرتضویه، جلد هفتم، چاپ سوم، صص ۷۹، ۸۲، ۱۵۰.

طلوسی، محمد بن حسن. (۱۴۰۷ ق.). الخلاف. قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، جلد پنجم: ص ۱۵۱؛ جلد دهم: ص ۲۴۵.

طلوسی، محمد بن حسن. (۱۴۰۷ ق.). تهذیب الاحکام. تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه، جلد پنجم: ص ۱۷۵؛ جلد دهم: صص ۱۴۵، ۲۷۶، ۲۹۶.

عاملی ترحینی، محمدحسین. (۱۴۲۷ ق.). الزبده الفقهی فی شرح الروضه البهیة. قم: دارالفقه للطباعة و النشر، نه جلدی، جلد نهم، چاپ چهارم، ص ۵۲۳.

عاملی، زین الدین بن علی. (۱۴۱۳ ق.). مسالک الافهام إلی تنقیح شرایع الاسلام. قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه، جلد پانزدهم، چاپ اول، صص ۳۸۶۳، ۴۴۷.

عاملی، زین الدین بن علی. (۱۴۳۲ ق.). الروضه البهیة. قم: مجمع الفکر الاسلامی، جلد دهم، ص ۸۴.

عاملی، سیدجواد. (بی تا). مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه. محقق محمدباقر حسینی، بیروت: دارالاحیای التراث العربی، جلد یازدهم، چاپ اول، صص ۱۶۷، ۱۸۷.

عبدالرحمن، محمود. (بی تا). معجم المصطلحات و الألفاظ الفقهیة. جلد سوم، ص ۹۳.

- عترتی خسروشاهی، سیدمحمد. (۱۳۸۳ ش.). *لیزر و کاربردهای آن در پزشکی*. تهران: مرکز نشر دانشگاه صنعتی امیرکبیر، چاپ اول، صص ۸، ۱۹-۱۸، ۸۱.
- علامه حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۳ ق.). *قواعد الاحکام*. قم: مؤسسه نشر اسلامی، جلد دوم: ص ۲۰۸؛ جلد سوم: صص ۶۳۴-۶۳۳، ۶۳۹.
- علامه حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۲۰ ق.). *تحریر الاحکام الشرعیه الی مذهب الامامیه*. محقق ابراهیم بهادری، قم: مؤسسه امام صادق (ع)، جلد پنجم، چاپ اول، ص ۶۱۰.
- فاضل لنکرانی، محمد. موحدی، فاضل. (۱۴۲۱ ق.). *تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله (الفصا)*. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (ع)، چاپ اول، ص ۹.
- فاضل هندی، محمد بن حسن. (۱۴۱۶ ق.). *کشف اللثام و الابهام عن قواعد الاحکام*. قم: انتشارات جامع مدرسین حوزه، جلد یازدهم، صص ۱۸۳، ۲۰۹، ۴۲۲.
- فیاض کابلی، محمداسحاق. (۱۴۲۶ ق.). *رساله توضیح المسائل*. قم: انتشارات مجلسی، یک جلدی، چاپ اول، ص ۷۰۶.
- فیض کاشانی، محمدحسن. (بی تا). *مفاتیح الشرایح*. قم: انتشارات کتابخانه آیت... مرعشی نجفی، سه جلدی، جلد دوم، چاپ اول، ص ۱۳۰.
- کشتکار جعفری، علیرضا. ارباب، مونا. ابطحی، شبنم. (۱۳۸۴ ش.). *کلیات چشم پزشکی و وگان-آسبوری*. انتشارات کتاب ارجمند، چاپ اول، ص ۵۲۰.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ ق.). *الکافی*. تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه، جلد هفتم، چاپ چهارم، صص ۳۱۹، ۳۲۵.
- گرجی، ابوالقاسم. (۱۳۸۰ ش.). *دیات*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، صص ۱۶-۱۷.
- گودرزی، فرامرز. کیانی، مهرداد. (۱۳۹۰ ش.). *پزشکی قانونی برای دانشجویان حقوق*. تهران: انتشارات سمت، چاپ ششم، صص ۴۰۶-۴۰۷.

مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۴ ق.). *مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول*. تهران: دارالکتب الاسلامیه، جلد بیست و چهارم، ص ۲۰۳.

مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۶ ق.). *ملانہ الاخبار فی فہم تہذیب الاخبار*. مصحح سیدمہدی رجایی، قم: انتشارات آیتا... مرعشی، جلد شانزدهم، چاپ اول، ص ۵۹۰.

مجلسی، محمدباقر. (بی تا). *حدود و قصاص و دیات*. تهران: مؤسسه نشر اسلامی، ص ۱۰۶.

مجلسی، محمدتقی. (۱۴۰۶ ق.). *روضہ المتقین فی شرح من لا یحضرہ الفقیہ*. محقق سیدحسین موسوی کرمانی و علی پناه اشتہاردی، قم: مؤسسه کوشانپور، جلد دهم، چاپ اول، ص ۴۰۰.

محقق حلی، جعفر بن حسن. (۱۴۰۸ ق.). *شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام*. قم: مؤسسه اسماعیلیان، جلد چهارم، چاپ دوم، صص ۲۰۱-۱۸۹، ۲۲۱، ۲۲۳، ۲۵۶.

محقق حلی، جعفر بن حسن. (۱۴۱۸ ق.). *المختصر النافع فی فقه الإمامیہ*. قم: مؤسسه المطبوعات الدینیہ، جلد دوم، چاپ ششم، ص ۳۰۱.

محقق خوانساری، احمد بن یوسف. (۱۴۰۵ ق.). *جامع المدارک فی شرح مختصر النافع*. مصحح علی اکبر غفاری، قم: مؤسسه اسماعیلیان، جلد هفتم، چاپ دوم، ص ۲۷۹.

محمدی خراسانی، علی. (بی تا). *شرح تبصرہ المتعلمین*. بی تا: بی جا، جلد دوم، ص ۴۴۵.

مدنی کاشانی، رضا. (۱۴۱۰ ق.). *کتاب القصاص للفقہاء والخواص*. قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، صص ۲۲۳، ۲۳۴.

مرعشی نجفی، شہاب الدین. (۱۴۱۵ ق.). *القصاص علی ضوء القرآن و السنہ*. تقریر از سیدعادل علوی، قم: انتشارات کتابخانہ آیتا... مرعشی، جلد سوم، چاپ اول، صص ۲۵-۲۸، ۱۹۰.

مرکز چشم پزشکی بصیر. (۱۳۸۸ ش.). *دورنمای لیزر فمتوسکند در چشم پزشکی*. ماهنامه تخصصی چشم پزشکی بصیر. سال ششم، شماره بیست و دوم، صص ۱۸-۲۲.

معاونت آموزش قوه قضاییہ. (۱۳۸۷ ش.). *سلسلہ پژوهش های فقهی - حقوقی، بایستہ های فقهی / اجرای قصاص*. قم: قضا، جلد ششم: ص ۲۳۰؛ جلد هفتم: صص ۱۴۱، ۲۱۵.

- معین، محمد. (۱۳۸۲ ش.). فرهنگ فارسی. تهران: چاپخانه حیدری، جلد دوم، ص ۶۷۹.
- مغنیه، محمدجواد. (۱۴۲۱ ق.). فقه الامام الصادق (ع). قم: مؤسسه انصاریان، جلد ششم، چاپ دوم، ص ۳۶۱.
- مقدس اردبیلی، احمد بن محمد. (۱۴۰۳ ق.). مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان. محقق مجتبی عراقی، علی پناه اشتهاودی و حسین یزدی اصفهانی، قم: دفتر انتشارات الاسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، جلد چهارم: ص ۱۰۲؛ جلد چهاردهم: ص ۱۰۱.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۱۶ ق.). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه، جلد یکم، چاپ اول، صص ۶۷، ۳۴۵.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۲۷ ق.). الفتاوی الجدیده. قم: انتشارات مدرسه امیر المؤمنین (ع)، جلد اول، چاپ دوم، ص ۳۴۵.
- منتظری، حسینعلی. (بی تا). رساله استفتائات. قم: نشر تفکر، جلد دوم: ص ۵۵۲؛ جلد سوم: ص ۳۳۷.
- مؤید، حمید. لطفی صدیق، افشین. (۱۳۷۹ ش.). کلیات چشم پزشکی. تبریز: ناشر قاضی جهانی، چاپ اول، ص ۴۰۵.
- میرمحمدصادقی، حسین. (۱۳۸۹ ش.). جرائم علیه اشخاص. تهران: انتشارات میزان، چاپ ششم، ص ۱۳۶.
- نجفی، محمد بن حسن. (۱۴۰۴ ق.). جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام. بیروت: دارالاحیای التراث العربی، جلد چهل و دوم: صص ۱۷۷، ۳۴۸، ۳۷۳؛ جلد چهل و سوم: صص ۸۱، ۳۰۳، ۳۲۱.
- نیمز، مارکوف. (۱۳۸۱ ش.). برهم کنش لیزر یافت. مترجم پرویز پزوین، تهران: مرکز نشر دانشگاه صنعتی امیرکبیر، چاپ اول، صص ۲-۳، ۱۱۳-۱۱۲، ۲۱۵، ۲۵۷.

یادداشت شناسه مؤلفان

ابوالفضل علیشاهی قلعه جوقی: استادیار گروه الهیات، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران. (نویسنده مسؤول)

پست الکترونیک: Alishahi@yu.ac.ir

قاسم خیراتی مقدم: دانش آموخته کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران.

مجتبی محمدزاده: دانشجوی دکترای فیزیک دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

Execution of Retaliation in Kind for Damage to Functions of Eye (Sight) by means of Laser

Abolfazl Alishahi Ghalehjoughi

Ghasem Kheirati Moghaddam

Mojtaba Mohammadzadeh

Abstract

One of the punishments that has existed in the human community since late is retaliation in kind. The main characteristic of retaliation for damage to functions, is identity of criminal act perpetrated and the retaliation provided as a result of such act. Such retaliation in kind shall not jeopardize the life of the criminal and shall allow sustainment of the equivalent of the crime perpetrated by the criminal. There are cases in which the criminal damages the sight of the eye without damaging the eye. Some Islamic jurists and law experts believe that retaliation in kind is not applicable to such cases and commute the punishment to blood money. Such decision to impose blood money rather than retaliatory destruction of the eye is based on the lack of equivalence and equality between damage to sight and destruction of the eye and also the possibility that loss of the life of the criminal may result.

On the other hand, advancements of the field of medicine and related equipment have largely made it possible to execute retaliation in kind using laser as a precise and powerful tool with an important role in ophthalmology. Such retaliation in kind can be executed by the specialists. The necessity of this research lies in the fact that due to street affrays and acid throwing, the damages imposed on the eyes have become very serious, and that because the lack of said equivalence has caused retaliation in kind is not executed for crimes involving eye and the same to be commuted to blood money, although both blood money and retaliation in kind are provided by shariah. Given blood money in such cases is not equivalent to retaliation in kind, and due to lack of the conditions for the execution of retaliation

in kind, it is commuted to blood money, now the question is why blood money is imposed while the requirements provided by the law for the execution of retaliation in kind is in place? This research was carried out using an analytic-descriptive method and having studied and reviewed the grounds of the views concluded that the decision of the execution of retaliation in kind by means of laser can be rendered for the criminal damages to the function of the eye (sight).

Keywords

Retaliation in Kind, Eye, Interests, Eye Interests, Retaliation in Kind for Functions of an Organ, Laser